

محمد رضا حاتمی*

علی بغیری**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۶/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۸/۱۰

چکیده

به رغم وسعت اندک بحرین، احزاب فراوانی در این کشور به فعالیت می پردازند. فعالیت این احزاب با فرازونشیب های متعدد همراه بوده، اما به تدریج احزاب اسلامی بر احزاب سکولار پیشی گرفته اند. آنها توانستند در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۲ افزایش محبوبیت خود در میان جامعه بحرین را به تصویر بکشند. با این حال، در کمتر از یک دهه احزاب شیعی به رهبری الوفاق بر سایر احزاب سنی و سلفی برتری پیدا کردند و در نهایت اکثریت قدرتمند پارلمان ۲۰۱۰ را به دست آوردند. با شروع تحولات اخیر بحرین، الوفاق به عنوان نماینده اکثریت پارلمان با خروج از آن به انقلابیون پیوست. در این مقاله پس از معرفی مهم ترین احزاب هر جناح، علت موفقیت حزب شیعی الوفاق مورد بررسی قرار خواهد گرفت. این نوشتار نشان می دهد که الوفاق با تبعیت از الگوی بیداری اسلامی نشأت گرفته از انقلاب اسلامی ایران نه تنها اکثریت کرسی های پارلمان را تصاحب نمود، بلکه به بزرگ ترین حزب این کشور، به لحاظ تعداد عضو، مبدل شد.

واژگان کلیدی: الوفاق، بیداری اسلامی، انقلاب اسلامی ایران، بحرین، انتخابات پارلمانی، تحولات خاورمیانه

Hatami5@yahoo.com

* عضو هیات علمی و استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور

** بورس هیات علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

boghairiyali@yahoo.com

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال نوزدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۱، صص ۹۱-۶۱.

مقدمه

مجمع الجزایر بحرین کشوری است بسیار کوچک که از ۳۳ جزیره تشکیل شده است و از این میان تنها ۶ مورد آنها مسکونی هستند. مساحت این کشور ۶۶۵ کیلومتر مربع است.^۱ به لحاظ وسعت سرزمینی، این کشور صد و نود و پنجمین کشور دنیاست و حتی از کوچک‌ترین استان ایران یعنی استان البرز ۸/۷۷ بار کوچک‌تر است. به رغم ممنوعیت و محدودیت، همواره احزاب در این کشور فعال بوده‌اند. جمعیت الاصله (جمعیه الاصله الاسلامیه)، جامعه اسلامی المنبر (جمعیه المنبر الوطنی الاسلامی)، الوفاق (جمعیه الوفاق الوطنی الاسلامیه)، جنبش اقدام اسلامی (جمعیه العمل الاسلامی/أمل)، انجمن اردوگاه دموکراتیک ملی (جماعه التجمع القومی الدیموقراطی)، الميثاق (جمعیه میثاق العمل الوطنی)، بلوک اقتصادی، جنبش عدالت ملی (حرکه العداله الوطنیه)، تریبون توسعه دموکراسی بحرین (جمعیه المنبر الدیموقراطی التقدمی)، حرکت دموکراتیک ملی (جمعیه العمل الوطنی الدیموقراطی - وعد)، جنبش اسلامی آزادگان بحرین (حرکه أحرار البحرين الإسلامیه)، جنبش حق (حرکه حق: حرکه الحریات و الدیموقراطیه)، ائتلاف جوانان ۱۴ فوریه (ائتلاف شباب ثوره ۱۴ فبرایر)، انجمن جمعیت جوانان بحرین (جمعیه الشبیه البحرینیه)، جبهه آزادی‌بخش ملی بحرین (جبهه التحریر الوطنی - البحرین)، جبهه مردمی آزادسازی بحرین (الجبهه الشعبیه لتحریر البحرین)، جبهه اسلامی آزادسازی بحرین (الجبهه الإسلامیه لتحریر البحرین)، حزب الله بحرین، حرکت هسته‌های انقلابی (حرکه الخلايا الثوریه)، حرکت اسلامی انصار الشهدا (حرکه الانصار الشهداء الاسلامیه)، حزب الدعوه، جنبش اتحادیه کارگری، حرکت ستم‌دیدگان بحرین (حرکه المظلومین فی البحرین)، حزب بعث، حرکت ملی دانشجویان، جنبش زنان بحرین، و حرکت دفاع از حقوق بشر برخی از تشکلات سیاسی این کشور هستند. البته برخی از آنها در طول زمان و در خلال تحولات تعطیل شده و یا تغییر نام داده‌اند. به علاوه، تمام آنها را نمی‌توان حزب نامید؛ برخی جنبش، برخی ائتلاف، برخی گروه‌های شبه‌نظامی و برخی یک تفکر هستند که طرفدارانی دارد. لذا، تعداد احزابی که از انسجام، نیروی فعال و تشکیلات اداری و سازمانی مورد نیاز برخوردارند، چندان زیاد نیست. به علاوه بیشتر احزاب نیز غیرقانونی اعلام شده‌اند و لذا فعالیت آنها به صورت غیررسمی انجام می‌شود و حتی مقر فرماندهی

برخی از آنها در خارج از کشور است. با این حال از ۲۰۰۲ به بعد، احزاب شیعی، سنی و حتی سلفی به نسبت سایر گروه‌ها توانسته‌اند به میزان مناسبی از انسجام حزبی برخوردار شوند. فعالیت احزاب در بحرین را می‌توان به شش دوره زمانی متفاوت تقسیم نمود: ۱. از استقلال تا تصویب قانون اساسی نخست (۱۹۷۳-۱۹۷۱)؛ ۲. دوران افول (۱۹۹۴-۱۹۷۵)؛ ۳. از قانون اساسی نخست تا اعتراضات ۱۹۹۴؛ ۴. از اعتراضات ۱۹۹۴ تا تصویب منشور اقدام ملی در ۲۰۰۱؛ ۵. از تصویب منشور اقدام ملی تا انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰؛ و ۶. از انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰ تاکنون.

در دوران نخست کشور تازه به استقلال دست یافته بود و لذا امیدواری زیادی در احزاب وجود داشت. قدم نخست، تقاضا برای تصویب قانون اساسی و پارلمان بود که اصرار احزاب به تصویب این موضوع در ۱۹۷۳ انجامید. با این حال، پارلمان اول یک پارلمان فرقه‌ای بود نه دموکراتیک^۱ و انحلال آن در دو سال بعد نشان داد شیخ عیسی چندان با شکل‌گیری روندهای دموکراتیک موافق نیست. از این زمان به بعد شدت سخت‌گیری امیر وقت بحرین بر فعالیت احزاب افزایش یافت و لذا فعالیت‌های آنها کمتر نمایان می‌گشت. کودتای ۱۹۸۱ و شکست آن نیز به تشدید خشونت حکومت علیه احزاب منتهی شد. انحلال احزاب، دستگیری و تبعید رهبران و اعضای آنها، منجر به چرخش فعالیت رسمی اغلب احزاب به شکل غیررسمی و زیرزمینی شد و در نتیجه، امکان فعالیت آزادانه احزاب تضعیف گردید، اما دهه ۱۹۹۰ با احیای فعالیت احزاب همراه بود. انتفاضه نخست مردم بحرین از ۱۷ دسامبر ۱۹۹۴ آغاز شد و تا ۱۴ فوریه ۲۰۰۱ به طول انجامید. در این دوران عملاً مسئولیت‌های حکومتی در دست ولیعهد بود؛ چرا که امیر بحرین بیمار و توان او برای حفظ اقتدار خود محدود شده بود. در این دوران احزاب لیبرال، چپ و اسلامی علیه شرایط خفقان حاکم با یکدیگر متحد شده بودند. در ۱۹۹۹ شیخ حمد امیر بحرین شد و احزاب توانستند از فرصت به‌دست آمده حاصل از تضعیف قدرت سرکوب حکومت بهره‌برد و خواسته‌های خود را مطرح سازند. شیخ حمد نیز در ۲۰۰۱ منشور اقدام ملی^(۱) را به تصویب رسانید. این منشور همان قانون اساسی دوم بحرین است که به موجب آن و پس از ۲۷ سال، پارلمان دوم بحرین در ۲۰۰۲ آغاز به کار کرد. عفو

1. National Action Charter

زندانیان و تبعیدشدگان سیاسی، تشکیل پارلمان، برگزاری انتخابات دوره‌ای پارلمان و شهرداری‌ها فعالیت احزاب را به‌ثمر نشانده بود. از آنجا که احزاب قبل غیرقانونی بودند، در این دوره بسیاری از احزاب در قالب‌های جدید و حتی با عناوین جدید فعالیت رسمی خود را دوباره آغاز نمودند. با این حال، بعد از انتخابات ۲۰۰۲ پارلمان، مشخص شد امیر جدید نیز چندان به روند دموکراتیک اعتقادی ندارد؛ چرا که او عملاً و برخلاف قانون اساسی، مجلس مشورتی و انتخاب شده از طرف خود را از قدرتی بیشتر برخوردار نمود. این مسائل سبب شد تعدادی از احزاب انتخابات پارلمانی ۲۰۰۲ را تحریم نمایند. با این حال، احزاب سنی و سلفی در انتخابات شرکت نمودند و اکثریت را به‌دست آوردند. همچنین، احزاب شیعی به رهبری الوفاق در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۶ شرکت نمودند و ۱۷ کرسی را کسب نمودند. روند جریان‌ات احزاب به سمت قدرت یافتن احزاب اسلامی غیرمحافظه‌کار بود که اوج آن در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰ به وقوع پیوست و احزاب شیعی برای اولین بار اکثریت قاطع را از آن خود کردند. شروع تحولات انقلابی خاورمیانه نیز آتش زیر خاکستر بحرین را شعله‌ور نمود و ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ اوج آن بود. احزاب که تا قبل از این تحولات در جهت اجرای قانون اساسی تلاش می‌کردند و حتی تغییر سیستم سلطنت را غیرقانونی می‌دانستند، در اثر شدت یافتن خشونت حکومت، نابودی آن را خواستار شدند و بسیاری از آنها، به‌ویژه حزب اسلامی الوفاق، پارلمان را ترک و به جمع انقلابیون پیوستند.

بحرین به لحاظ فعالیت احزاب و جناح‌های سیاسی وضعیتی ویژه در میان کشورهای حاشیه خلیج فارس دارد. در حالی که احزاب سکولار و سپس سلفی در سال‌هایی نه‌چندان دور مورد استقبال مردم بودند، در کمتر از یک دهه احزاب شیعی توانستند از رقبای خود پیشی گرفته و بیش از همه احزاب اعتماد مردم بحرین را به خود جلب کنند. بنابراین سؤال اصلی مقاله عبارت است از اینکه علت استقبال مردم از حزب شیعی الوفاق چه بود؟ به عبارت دیگر، الوفاق چگونه توانست بر رقبای خود پیشی گیرد؟ فرضیه این مقاله عبارت است از آنکه پیروی حزب شیعی الوفاق از بیداری اسلامی مورد نظر ایران علت اصلی پیروزی آنهاست. به عبارت دیگر، آنها با پیروی از اصول برخاسته از انقلاب اسلامی ایران، توانستند در کمتر از یک دهه به محبوب‌ترین احزاب بحرین مبدل شوند که بیشترین نمایندگان را در مجلس نمایندگان دارا هستند. بر این اساس،

قبل از هر چیز باید مشخص شود منظور از بیداری اسلامی و الگوی ایرانی چیست؟ در این قسمت به ویژگی‌های بیداری اسلامی مورد نظر جمهوری اسلامی ایران پرداخته خواهد شد. سپس شمای کلی مهم‌ترین احزاب حال حاضر (۲۰۱۲-۲۰۰۲) بحرین و در بخش سوم علل موفقیت احزاب شیعی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بیداری اسلامی

بیشتر صاحب‌نظران و تحلیلگران در ایران در زمره گروهی قرار دارند که معتقدند عامل اصلی و پیش‌برنده تحولات اخیر خاورمیانه، اسلام‌خواهی یا احیای اسلام یا بیداری اسلامی است. این دسته از صاحب‌نظران برآنند که علت اصلی تحولات اخیر را باید در خواست‌های دینی دید که طی زمان انباشت شده و عدم پاسخ‌گویی مناسب به آنها به تحولات اخیر انجامیده است.^۳

به‌طور مشخص، اکثریت مردم خاورمیانه (حدود ۹۳ درصد) و کشورهایی که تحولات در آنها رخ داده است را مسلمانان تشکیل می‌دهند.^۴ فرهنگ مسلمانان این منطقه با فرهنگ غرب و اهداف غرب متفاوت است و این تعارض یکی از دلایل مهمی است که طرح خاورمیانه بزرگ را با شکست روبه‌رو ساخته است.^۵ «مسلمانان عقایدی دارند که ریشه در ماهیت دین آنان دارد. همان‌طور که ویژگی ماهوی آب خیس کردن است و آبی که مرطوب‌کننده نباشد دیگر آب نیست، مسلمان نیز عقایدی دارد که بدون آنها دیگر نمی‌توان او را مسلمان خطاب کرد. این عقاید اصول رفتار مسلمانان است که در میان همه آنان مشترک است. با این حال آنچه در جوامع اسلامی موجود است، با این اصول سازگاری ندارد و همین موضوع علت اصلی نارضایتی و خیزش‌های منطقه است. به‌عنوان مثال، طبقه حاکمیت به لحاظ فرهنگی با توقعات مردم از اسلام و پیاده‌سازی آن فاصله دارد. آموزه‌های اسلام با فساد تناسب ندارد و فساد مالی و اداری حاکم در کشورهای اسلامی را بر نمی‌تابد. آموزه‌های فرهنگی تمام مسلمانان از هر فرقه‌ای که باشند، ظلم و تبعیض اقتصادی را بر نمی‌تابد. فرهنگ مسلمانان با رفاه بیش از حد حاکمان در شرایطی که مردم در فقر به‌سر می‌برند، هم‌خوان نیست. استکبار داخلی و پذیرش سلطه خارجی چندان با مزاق مسلمانان جور در نمی‌آید.»^۶ با این حال، «حاکمان منطقه خاورمیانه از اسلام

تنها پوستین و ظاهری را برگرفته و برخی از آنها به حفظ همین پوستین نیز اکتفا نکرده بودند. ظلم و تبعیض داخلی، فساد اقتصادی، رفاه بیش از حد حاکمان در کنار فقر اکثریت جامعه، عدم وجود آزادی‌های مبتنی بر چارچوب دین، روابط میان حاکمان کشورهای اسلامی و رژیم صهیونیستی، بی‌توجهی به مظاهر اسلامی همچون حجاب، زندان و شکنجه رهبران اسلام‌خواه، مثل رهبران اخوان المسلمین مصر، پروسه‌ای از نفرت را آغاز نموده بود که بر شکاف هرچه بیشتر مردم از حاکمان می‌انجامید. اعتراضات مختلف صورت پذیرفته بود، ولی همه آنها به دلیل حمایت قدرت‌های فرمانطقه‌ای از حاکمان سرکوب شدند. با این حال، تاریخ این ظلم‌ها و کفرها را از اذهان ملت‌ها پاک نکرده و وضعیت جوامع اسلامی همانند آتش زیر خاکستر بود و خاورمیانه اسلامی مدلی برای پاسخ‌گویی به خواست‌های آنان به حساب می‌آمد که علاوه بر ریشه‌کن کردن استبداد داخلی، استعمار خارجی آمریکا و اسرائیل و استعمار فرهنگی غرب را نیز به چالش می‌کشد.^۷

حاکمان این جوامع نه اسلامی بودند، نه دموکرات و نه توانسته بودند وضعیت رفاهی مناسبی را برای شهروندان خود فراهم آورند. شاید اگر یکی از این سه فاکتور وجود داشت، تحولات به‌وقوع نمی‌پیوست. با وجود آنکه در برخی مواقع ساختارهای دموکراتیک در سیستم سیاسی وارد شده بود؛ به‌عنوان مثال اصلاحات سیاسی ۲۰۰۲ پادشاه بحرین یا اصلاحات اقتصادی مبارک برای مبارزه با فقر، اما قدرت مطلقه همچنان در دست حاکمان قرار داشت. این حاکمان یا در اثر کودتاهای نظامی به‌قدرت رسیده بودند یا از طریق انتخابات به‌ظاهر دموکراتیک و یا اینکه قدرت را در چارچوب سیستم‌های سلطنتی به ارث برده بودند. رهبرانی که از طریق کودتا به قدرت رسیده بودند، مقبولیت اولیه خود را با شعارهای اسلامی و دموکراتیک به‌دست آورده بودند. با این حال، پس از مدتی خود به همان روش‌هایی روی آوردند که در مقابل آن قیام کرده بودند.^۸ اما در پاسخ به چرایی تحولات، برخی صاحب‌نظران معتقدند علت را نباید در دموکراسی یا اقتصاد و یا مسائل دیگر جستجو کرد، بلکه علت اصلی قیام‌ها را باید در اسلام‌خواهی مردم دانست. به همین دلیل این افراد برای تفسیر تحولات اخیر خاورمیانه از مفهوم «بیداری اسلامی» استفاده می‌کنند.^۹ در راس طرفداران این مفهوم علمای دینی قرار دارند. برخی از دلایل عنوان نهادن بیداری اسلامی به تحولات اخیر عبارتند از:

۱. شکست طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا به معنای شکست پروژه دموکراسی‌سازی یا استقرار دموکراسی‌های هدایت شده در کشورهای اسلامی بوده است^{۱۰} و به همین دلیل غرب در مقابل تحولات اخیر خاورمیانه در برخی مناطق سکوت کرده و چراغ سبز حفظ نظام‌های وابسته هرچند غیردموکراتیک در یمن، عربستان، اردن و بحرین را صادر کرده است.
 ۲. انعکاس مضامین و ارزش‌های اسلامی در شعارها، روش‌ها و اقدامات در این قیام‌ها؛ مثل: شعارهای «الله اکبر»، «لا اله الا الله»، انتخاب نماز جمعه برای شروع اعتراضات، قرآن بلند کردن، حضور زنان محجبه در اعتراضات، پایگاه قرار دادن مساجد، شهید نامیدن کشته‌ها.
 ۳. ویژگی‌های نظام‌های سیاسی و حاکمان مورد اعتراض که سکولار بودن، وابستگی به غرب، شکستن ارزش‌ها و هنجارهای دینی و سخت‌گیری علیه گرایش‌های اسلامی و ... در بین تمامی آنان مشترک است.
 ۴. مطالبات و جهت‌گیری‌های پس از پیروزی که تاکید بر اجرای شریعت اسلامی در قوانین و احکام حکومتی را در تمامی این قیام‌ها و انقلاب‌ها دنبال کرده‌اند.
 ۵. اقبال عمومی به شخصیت‌ها و احزاب و گروه‌های اسلامی برای برپایی نهادهای حکومتی پس از پیروزی که نتایج انتخابات مجالس نمایندگان در مصر و تونس و شکل‌گیری فراکسیون‌های اسلام‌گرایان در آن نشانه این اقبال مردمی به اسلام‌خواهان است.
- اما در معنای بیداری اسلامی سه الگوی ملموس وجود دارد: الگوی اسلام مورد نظر ایران، ترکیه، و الگوی سلفی. تعاریف هر یک از این سه الگو از بیداری اسلامی، نشأت گرفته از ماهیت این سه الگو است. ویژگی اصلی بیداری اسلامی ترکیه در تساهل آن حتی در اصول اعتقادی است.^{۱۱} این الگو را می‌توان الگوی سکولار اسلامی نامید.^{۱۲} ویژگی اصلی الگوی سلفی در تحجر و تاکید بر ظواهر دین^{۱۳} و اولویت دادن به جهاد است.^{۱۴} در ادامه سعی بر آن است تا مفهوم بیداری اسلامی مورد نظر جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گیرد.

الگوی ایرانی

با پیروزی انقلاب اسلامی برای اولین بار اسلام به‌عنوان یک الگو برای اداره امور سیاسی و

اجتماعی مورد توجه قرار گرفت. از نظر بسیاری از نظریه‌پردازان انقلاب‌ها، انقلاب اسلامی ایران را می‌توان شروع اسلام‌خواهی سیاسی در عرصه بین‌الملل دانست.^{۱۵} آثار این انقلاب مستقیم و غیرمستقیم جنبش‌های اسلامی را الهام‌بخش بوده است. این انقلاب حتی در شکل‌گیری یا تشدید گرایش‌های اسلام‌خواهی در قالب‌هایی همچون القاعده نیز مؤثر بوده است، با این حال، قرائت آنها از اسلام چیزی متفاوت از قرائت الگوی انقلاب اسلامی ایران بوده است. انقلاب اسلامی ایران به مسلمانان نوید داد که می‌توانند از اسلام به‌عنوان یک الگوی تمام‌عیار سیاسی و اجتماعی بهره‌برند و لذا اسلام فراتر از ابعاد فردی مورد توجه قرار گرفت. این انقلاب به مسلمانان نشان داد مبارزه با مستکبران داخلی و خارجی امری است شدنی و موفقیت آن ممکن است. لذا بعد از انقلاب اسلامی ایران است که شاهد رشد جنبش‌های اسلامی هستیم. تا قبل از انقلاب ایران، اغلب جنبش‌های جهان اسلام از ایدئولوژی‌های سکولار مثل سوسیالیسم و ناسیونالیسم الهام گرفته می‌شد و در بهترین حالت، اسلام در قالبی ترکیبی با سوسیالیسم و ناسیونالیسم مورد استفاده قرار می‌گرفت.^{۱۶} به‌عنوان مثال، حزب بعث ترکیبی بود از ملی‌گرایی عرب، سوسیالیسم و اندکی اسلام. در این جنبش‌ها اسلام عملاً در ساختار فکری و ایدئولوژیک نقشی نداشت و صرفاً گاهی رهبران احزاب برای جذب مسلمانان منطقه از اسلام‌خواهی خود سخن به‌میان می‌آوردند. با این حال، اعتقاد جنبش‌های پیش از انقلاب اسلامی به اسلام نه از باب اعتقاد به موفق بودن الگوی اسلامی، بلکه بیشتر به خاطر جذب نیروهای مسلمان صورت می‌گرفت. البته می‌توان جنبش‌هایی اسلامی یافت که قبل از انقلاب اسلامی شکل گرفته و مبنای خود را الگوی اسلامی قرار داده بودند؛ مثل جنبش اخوان المسلمین مصر، اما در اغلب موارد با سرکوب شدید حکومت همراه بودند و لذا به حاشیه کشیده شده و یا به صورت مخفی و غیرعلنی به فعالیت‌های خود ادامه می‌داد. تنها بعد از انقلاب اسلامی ایران و آرایه الگوی اسلامی آن بود که این جنبش‌ها جسارت لازم را برای ابراز وجود یافتند. الگوی ایرانی چند ویژگی دارد:

۱. **مصلحت‌اندیشی در فروع:** این الگو برخلاف الگوی عربستان، جهاد و اجرای امور دینی در عرصه جامعه و سیاست را بر سنجش درست شرایط مبتنی می‌داند. لذا در صورتی که اجرای احکام اسلام با بازخوردی منفی همراه گردد که هدف حکم تعطیل بماند، اجرای آن به‌تعویق

خواهد افتاد. به عنوان مثال، سوءاستفاده رسانه‌های غرب از اجرای علنی حدود باعث شد تنبیه مجرمان به روش‌های دیگری انجام شود که در ظاهر حکم آمده بود. بنابراین، این تعریف از اسلام به نسبت مدل سلفی، مصلحت‌اندیشانه است. مبنا قرار گرفتن تئوری ام‌القری و تاکید بر ارزش‌های مشترک مسلمانان در عوض ارزش‌های خاص شیعیان با هدف کاهش حساسیت در منطقه^{۱۷} و در نتیجه اولویت داده شدن به منافع جمهوری اسلامی ایران، حرکت عاقلانه و عدم دخالت ایران در حمایت از برخی جنبش‌های اسلامی به دلایلی چون عدم اشتغال در چند جبهه و ممانعت از تضعیف قدرت مرکزی جهان اسلام یعنی ایران، مذاکره با آمریکا بر سر موضوعاتی همچون افغانستان و عراق، تاکید ایران بر صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای خود و عدم گرایش به ساخت سلاح اتمی، اجازه به بازرسان سازمان انرژی اتمی برای نظارت از تاسیسات هسته‌ای ایران و عدم گرایش ایران به تشدید تنش‌های منطقه‌ای و ایجاد جنگ در منطقه، مواردی است که ایران به صورت عملی مصلحت‌اندیشی اسلامی خود را به اجرا درآورده است. اما برخلاف الگوی ترکی، به مصلحت‌اندیشی مطلق نیز دچار نمی‌شود و مصلحت‌اندیشی را بر فروع دین محدود می‌داند نه اصول دین. لذا مصلحت‌اندیشی نمی‌تواند در مورد اجرا یا عدم اجرای اصول اساسی دین همچون مبارزه با ظلم تعیین تکلیف کند، بلکه می‌تواند در مورد شیوه اجرای آن تصمیم‌گیری کرده و با توجه به مقتضیات زمان و مکان بهترین شیوه را برگزیند.^{۱۸} به همین دلیل، جمهوری اسلامی در مقابل رژیم صهیونیستی مصلحت‌اندیشی را جایز نمی‌داند.

۲. اسلام سیاسی - اجتماعی با بهره‌گیری از قدرت نرم در انتشار آن: برخلاف الگوی ترکی،
الگوی اسلام ایرانی نه فقط ابعاد فردی، بلکه ابعاد اجتماعی و سیاسی را نیز مورد توجه قرار داده است. این الگو نه تنها تمام برنامه‌های فردی مسلمان، بلکه قواعد و اصول زندگی اجتماعی و سیاسی را نیز تحت پوشش قرار می‌دهد. در این الگو فرد مسلمان نسبت به جایگاه سیاسی و اجتماعی خود نمی‌تواند سکولار عمل کند. او موظف است اسلام را در تمام ابعاد پیاده سازد و در جهت ترغیب دیگران به الگوی اسلامی خود کوشش کند. با این حال، برخلاف مدل سلفی، ترغیب دیگران نه از راه اجبار، بلکه از راه قدرت نرم و به طرق فرهنگی صورت می‌پذیرد. این اصل بوده که مانع از صدور انقلاب از طرق خشونت‌آمیز شده است. لذا، الگوی صدور انقلاب ایران

الگوی است مبتنی بر فرهنگ، قدرت نرم و دیپلماسی عمومی. قدرت نرم این الگو مبتنی است بر ارشاد و در آن اجبار وجود ندارد.^{۱۹}

۳. عقلانیت الهی توأم با عقلانیت بشری: برخلاف الگوی ترکی که عقلانیت اقتصادی را مبنا قرار می‌دهد، الگوی ایران سعادت دو جهان را توأم با یکدیگر می‌بیند و بنابراین، راه سعادت اخروی از دنیا می‌گذرد. اما برخلاف عقلانیت مادی ترکی، عقلانیت الگوی ایرانی معطوف است به عقلانیت فرابشری و الهی، لذا ممکن است در برخی موارد سود کوتاه‌مدت با پی‌گیری اسلام هم‌راستا نباشد، ولی عقلانیت الهی سود بلندمدت جوامع بشری را می‌اندیشد.^{۲۰} این عقلانیت سبب می‌شود منافع مسلمانان برخلاف الگوی ترکی به مرزهای کشور محدود نگردد و لذا شهروند مسلمان و امت مسلمان مبنا قرار می‌گیرد، نه شهروند ملی. با این حال، با توجه به اصل مصلحت، دستیابی به الگوی امت واحد باید با توجه به مقتضیات زمان و مکان صورت پذیرد و شتاب‌زدگی جایز نیست. بدین ترتیب، اهداف اولویت‌بندی می‌شوند و به‌عنوان مثال آرمان آزادسازی قدس و حمایت از فلسطین در اولویت نخست قرار می‌گیرد، به همین دلیل در برخی موارد جمهوری اسلامی نسبت به ظلم و ستم بر مسلمانان بیش از تقبیح و اعلان موضع سیاسی اقدام عملیاتی صورت نداده است. در این الگو اقدام در راستای اهداف اسلام باید با توجه به قدرت فعلی، نتایج و مقتضیات زمان و مکان محاسبه گردد. البته این به معنای کنار زدن اصول نیست؛ زیرا اصول ثابت و غیر قابل تغییرند. توأم شدن این دو نوع عقلانیت مردم‌سالاری دینی را به‌وجود می‌آورد که در آن نظام دینی بدون پذیرش مردم و در نتیجه عقلانیت بشری ممکن نیست.^{۲۱}

معتقدان به این الگو به‌صراحت و جسورانه در مورد نوع بازیگران و زمان شروع پروسه تحولات منطقه ابراز نظر کرده‌اند. البته حتی اگر این اظهارات واضح نیز بیان نمی‌شد، با توجه به ویژگی‌های این الگو می‌توانستیم پیش‌بینی کنیم در چارچوب آن، احزاب و گروه‌های مذهبی، علمای دینی بیشترین نقش را ایفا می‌کنند که همان رهبری فکری تحولات است و مساجد، نمازجمعه‌ها و نمازهای جماعت از مهم‌ترین مجامع مردم منطقه برای سازمان‌دهی تحولات قلمداد می‌شوند. همچنین، در حالی که الگوهای قبل صرفاً قادر بودند تجزیه‌گرهای این پروسه را عنوان کنند، این الگو به‌صراحت اعلام می‌دارد گرچه انقلاب اسلامی ایران یکی از زنجیره‌های حرکت‌های

اسلامی است، این انقلاب برای اولین بار نظریه‌ای دینی و روشی عملی برای جنبش‌های اسلامی ارائه نموده است.^{۲۲} از این رو می‌توان گفت شروع پروسه جدید تحولات خاورمیانه با پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شده است و نابودی صدام و شکست ملی‌گرایی عربی، به قدرت رسیدن شیعیان در عراق، موفقیت‌های حزب‌الله در لبنان به ویژه در جنگ ۳۳ روزه و در نهایت موفقیت حماس در انتخابات غزه و در جنگ ۲۲ روزه، تجزیه‌گرهای پروسه تحولات منطقه بوده‌اند.

احزاب بحرین

۱. جریان چپ

به صورت سنتی، جریان چپ در بحرین قوی بوده است، شاید به این دلیل که بعد از اکتشاف نفت و با افزایش روند صنعتی شدن در دهه ۱۹۳۰، طبقه کارگر گسترش یافت. جبهه ملی یکی از طیف‌های چپ در جهان عرب است که از گرایش‌های سوسیالیستی، مائوئیستی و ناسیونالیست عربی برخوردار است. این جبهه از جنبش ملی‌گرایی عرب در عمان منشعب و در ۱۹۷۴ تأسیس شده است.^{۲۳} جبهه ملی اولین حزب سیاسی بود که در کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس تأسیس شد. با این حال شکست ایدئولوژی کمونیستی، فروپاشی بلوک شرق و ظهور حقوق و سیاست اسلامی حمایت فکری و معنوی پشتیبان این جبهه را تضعیف نمود. شیخ عیسی نیز با آزادی احزاب مخالف بود و رهبران آن را دستگیر کرد و حزب تعطیل شد، اما پس از اصلاحات ۲۰۰۱ اعضای حزب بخشیده شدند و در قالب احزاب جدید به فعالیت خود ادامه دادند.

– حرکت دموکراتیک ملی (جمعیه العمل الوطنی الیدیمقراطی – وعد)

این گروه، بزرگ‌ترین حزب سیاسی جناح چپ بحرین است. پس از صورت پذیرفتن اصلاحات شیخ حمد آل خلیفه اعضای جبهه ملی و جبهه مردمی آزادی بحرین از زندان آزاد شدند و جنبش دموکراتیک ملی را بنا نهادند. حرکت دموکراتیک ملی اولین سازمان سیاسی رسمی و قانونی تأسیس شده در میان کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس بود.

فروپاشی شوروی اولین ضربه به چپ‌ها بود که در زمان جبهه ملی وارد شد. دومین ضربه معنوی به این طیف از چپ‌ها بعد از تاسیس حزب جدید وارد آمد. حزب جدید انتخابات پارلمانی ۲۰۰۲ بحرین را تحریم نمود، ولی در انتخابات شهرداری‌های همان سال شرکت کرد، با این حال هیچ‌یک از نامزدهای آن رای نیاوردند.

این حزب در سال ۲۰۰۵ نام خود را به «وعد» تغییر داد.^{۲۴} عبدالنبی الاکری، ابراهیم کمال‌الدین، سامی سیدی، علی صلیح و منیره فخرو از جمله اعضای دایم این حزب هستند. عبدالرحمن النومی در ۲۰۰۵ رهبری حزب را به ابراهیم شریف السید واگذار نمود که تا به امروز رهبری آن را عهده‌دار است. او در جریان تحولات شروع شده از ۲۰۱۱ دستگیر شد.

۲. جریان لیبرال

الف. الميثاق (جمعية ميثاق العمل الوطني)

جنبش منشور ميثاق ملی^(۱) نام دیگر این حزب است. این جنبش یکی از احزاب لیبرال فعال در عرصه سیاسی بحرین است، با این حال نامزدهای این حزب در انتخابات ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶ از راه یافتن به پارلمان باز ماندند. اما در سال ۲۰۰۲، پادشاه ۱۶ عضو این حزب را در مجلس مشورتی به عضویت در آورد.^{۲۵} این حزب به همراه سایر احزاب لیبرال در حمایت از آزادی‌های فردی جمعیت فعالان المنتدا را ساماندهی نمودند.^{۲۶} احمد جوما رهبر این حزب است. او سردبیر بخش فرهنگی روزنامه *الایم* بوده است. در جریان تحولات انقلابی ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲، این جنبش برخلاف تقاضای علی سلمان، رهبر حزب الوفاق، انتخاب امیر بحرین از طریق برگذاری انتخابات را برخلاف قانون اساسی دانست و آن را نوعی تخطی اعلام نمود.^{۲۷}

ب. بلوک اقتصادی

یکی از احزاب لیبرال بحرین است که توانست در انتخابات ۲۰۰۲، سه کرسی پارلمان را

1. National Action Charter Society

تصاحب نماید، اما انتخابات ۲۰۰۶ برای آن هیچ کرسی‌ای در پی نداشت. دفاع از حقوق بشر، دموکراسی و اقتصاد بازار موضوعات مورد علاقه در پارلمان بودند.^{۲۸} با این حال، مخالفت گروه‌های اسلام‌گرا با این حزب به دلیل نزدیک شدن آن به حزب کمونیستی بلوک دموکراتیک^(۱) – این حزب نیز در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۶ تمام کرسی‌های خود را از دست داد – همراه بود. بلوک اقتصادی معمولاً حامی دولت است، ولی گاه انتقاداتی را نیز بر آن وارد می‌آورد. به‌علاوه، گرچه این حزب عضوی رسمی در پارلمان ندارد، ولی برخی از نمایندگان مجلس از مواضع لیبرال مطلوب آنها دفاع به عمل آورده‌اند، به‌عنوان مثال، جاسم عبدالله در دفاع از حقوق بشر سخن به میان آورده و فرید قاضی، یکی از اعضای اتاق فکر المنتدا، ایجاد جبهه‌ای واحد در مقابله با محافظه‌کاران را ضروری دانسته است.

۳. جریان ملی‌گرایی سکولار

– جنبش عدالت ملی (حرکه العدالة الوطنیه)

این جنبش به انجمن العدالة نیز معروف است. جنبش عدالت ملی یک حزب سیاسی سکولار ملی است که در ۵ مارس ۲۰۰۶ در محرق تاسیس گشت. عبدالله هاشم، یکی از اعضای سابق حرکت دموکراتیک ملی، رهبری این حزب را در دست دارد. ملی‌گرایی عربی، اهداف توسعه‌طلبانه و نگرش جدید این جنبش، نارضایتی لیبرال‌ها، چپ‌ها و حتی برخی از سنی‌ها را در بر داشته است. عبدالله هاشم، رهبر این جنبش، در پاسخ به چرایی نبودن کلمه اسلام در نام این حزب اذعان داشته که اهداف این حزب جذب همه افراد و گرایش‌هاست. البته او رقابت با تسلط جنبش اسلامی ملی الوفاق را نیز از اهداف حزب برشمرده است. از نظر رهبران، از آنجا که حزب الاصله منافع خود را در حمایت از جامعه سنی و حزب الوفاق منافع خود را در حمایت از جامعه شیعه اعلام نموده، این حزب در تلاش است توازن را در جامعه بحرین حفظ نماید.^{۲۹} این حزب فعالیت‌های احزاب سنی الاصله و المنبر، و همچنین حزب شیعه الوفاق را افراط‌گرایانه می‌داند و

بدون توجه به اعتقادات افراد، مدعی آن است که از تمام جامعه بحرین، شیعه و سنی، مسیحی و یهودی، حمایت به عمل می‌آورد.^{۳۰}

با این حال دفاع از جامعه سنی در مقابل شیعه را می‌توان محور فعالیت‌های این حزب به‌شمار آورد احمد زمان، یکی دیگر از رهبران این جنبش، اذعان داشته که این جنبش در تلاش است با افزایش آگاهی سنی‌ها، آنان را به جایگاه مناسب خود واصل سازد. او بیان داشت که مردم باید بدانند شیعیان و دولت تنها بازیگران بحرین نیستند.^{۳۱} محی‌الدین محمودخان یکی دیگر از رهبران این حزب است. او نیز حمایت از سنیان را محور اصلی فعالیت این حزب اعلام نموده است. محمودخان، فردی افغانی و عضو گروه‌های جهادی افغانستان بوده که به اتهام تلاش برای بمب‌گذاری توسط نیروهای امنیتی و اطلاعاتی بحرین دستگیر شده بود. جالب اینجاست که فرید قاضی، یکی از رهبران بلوک اقتصادی، وکیل او در دادگاه بود که توانست وی را تبرئه کند. این موضوع نزدیکی میان احزاب سکولار را نشان می‌دهد.

برخلاف بسیاری از احزاب، این جنبش آمریکا را مهم‌ترین خطر بین‌المللی خود قلمداد نمی‌کند، بلکه با توجه به سابقه تاریخی، انگلستان و ایران را مهم‌ترین دشمنان بحرین می‌داند. احمد زمان در این باره اذعان داشته است که «انگلستان بحرینی‌ها را به بردگی در آورده بود، حقوق آنها را زائل کرده بود و در طی اشغال بحرین، مردم این کشور را به سخره گرفته است، ایران نیز اغلب نسبت به کشور ما ادعا دارد، آمریکا برخلاف ایران، هیچ ادعایی بر بحرین ندارد.»^{۳۲}

۴. جریان سلفی

– جمعیت الاصاله (جمعیه الاصاله الاسلامیه)

این حزب که در انتخابات ۲۰۰۲، هفت و در انتخابات ۲۰۰۶، هشت کرسی پارلمان را به‌دست آورد،^{۳۳} بال سیاسی جامعه تعلیم و تربیت اسلامی^(۱) است. رهبر پیشین این حزب، عادل مؤدا بود که به خاطر نزدیکی به حزب شیعی الوفاق در ۲۰۰۵ برکنار شد و غنیم البوانین به‌جای او قرار گرفت.

1. Islamic Education Society

این حزب یکی از مشهورترین احزاب محافظه کار در شهرهای محرق و ریفاست. تا قبل از انتخابات ۲۰۰۲، بیشتر مردم این مناطق به احزاب چپ گرایش داشتند.^{۳۴} حزب الاصله ارتباط نزدیکی با ایدئولوژی وهابی عربستان سعودی دارد.^{۳۵} ایدئولوژی این گروه با مدرنیسم و جنبش زنان مخالف است و با لشکرکشی آمریکا به عراق مخالفت شدیدی ورزید و اقدامات نظامی علیه نیروهای آمریکایی در فلوجه را رهبری نمود.

۵ جریان سنی

– جامعه اسلامی المنبر (جمعیه المنبر الوطنی الاسلامی)

این حزب یکی از شاخه های اخوان المسلمین است که در ۱۹۲۸ در مصر تاسیس شد و حسن البنا و سید قطب از جمله رهبران فکری آن بودند.^{۳۶} المنبر بازوی سیاسی انجمن الاصلاح بحرین به شمار می رود. این حزب نیز از برنامه های محافظه کارانه برخوردار است و برادری و وحدت مسلمانان را در محوریت فعالیت های خود قرار داده است. با این حال، تمرکز این حزب بیشتر بر امور اقتصادی است نه ایدئولوژیکی و همین امر سبب شده طبقه متوسط سنی بحرین – مهندسان، بازاریان و معلمان – از این حزب حمایت به عمل آورند.^{۳۷} این حزب به صورت مستقیم دولت را به چالش نمی کشد. در جریان انتخابات پارلمان ۲۰۰۶، این حزب هفت کرسی را تصاحب نمود،^{۳۸} در حالی که در انتخابات ۲۰۰۲، هشت کرسی را از آن خود کرده بود. این حزب در مقایسه با جمعیت الاصله لیبرال تر و از آزادی مجلس دفاع به عمل آورده است. مخالفت حزب با اشغال فلوجه توسط آمریکایی ها و پخش فیلم های غربی و برگذاری کنسرت در این کشور برخی از اقدامات آن بوده است. در حالی که کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی به تصویب دولت بحرین درآمده بود، مخالفت این حزب به عدم تصویب آن در پارلمان انجامید و دکتر صلاح عبدالرحمن، یکی از نمایندگان حزب در پارلمان به مخالفت با این کنوانسیون پرداخت. از نظر او بر اساس این کنوانسیون مسلمانان آزاد هستند تا دین خود را تغییر دهند و این خلاف آیین اسلام است.^{۳۹} با این حال، جامعه اسلامی المنبر از رگه های رفتاری سلفیه نیز برخوردار است. مخالفت نماینده حزب در پارلمان با احداث خانه هایی با بیش از یک پنجره در

محرَق یکی از رفتارهای تندروانه این حزب بوده است. این حزب با حق رای و انتخاب زنان در امور سیاسی موافق است و تنها زنان را از نشستن بر جایگاه امیر بحرین باز می‌دارد و حتی در جریان انتخابات پارلمانی ۲۰۰۶، یک زن به نام دکتر حیف‌المحمود را در فهرست انتخابی خود معرفی نمود. با این حال، مخالفت شدید حزب الاصله به حذف نام این خانم از فهرست آنها منتهی شد. همچنین هم‌نوا با اسلام‌گرایان شیعه با تصویب قانون حقوق برابر زن و مرد مخالفت به عمل آورد. در جریان انتخابات پارلمانی ۲۰۰۶، این حزب به همراه سلفیست‌های الاصله به منظور حفظ رای سنی‌های بحرین با یکدیگر ائتلاف تشکیل دادند، اما اختلافات آنها مانع از ایجاد اتحادی موفق به مانند شیعیان گشت.^{۴۰}

۶ جریان شیعی

الف. الوفاق (جمعیه الوفاق الوطنی الاسلامیه)

الوفاق بزرگ‌ترین سازمان شیعیان در بحرین است که ۶۵۰۰ عضو دارد و توانست در دهه ۱۹۹۰ به جای جنبش آزادسازی بحرین، رهبری مبارزات سیاسی را بر عهده گیرد.^{۴۱} بیشتر رهبران الوفاق در پی عفو عمومی فعالان سیاسی انقلاب ۱۹۹۰ توسط امیر حمد بن عیسی به بحرین بازگشتند و در پی امضای پیمان مشروطه ۱۹۹۳ توسط وی که در آن تمام قدرت قانون‌گذاری را در اختیار مجلس منتخب می‌گذاشت، از او حمایت کردند. این جمعیت در ۷ نوامبر ۲۰۰۱ رسماً اعلام موجودیت کرد.

جمعیت اسلامی ملی الوفاق، یا همبستگی، هم به لحاظ تعداد اعضا^{۴۲} و هم به لحاظ تعداد نمایندگان خود در پارلمان بزرگ‌ترین جمعیت سیاسی بحرین است.^{۴۳} این سازمان رهبری چندین حزب شیعی از جمله حزب الدعوه را نیز بر عهده دارد.^{۴۴} با این حال و با وجود دارا بودن ۱۸ کرسی از ۴۰ کرسی مجلس بحرین؛ یعنی بزرگ‌ترین ائتلاف موجود، هنوز در رای‌گیری‌ها از جانب نمایندگان حامی حکومت مورد تخاصم قرار می‌گیرد و حکومت نیز هیچ‌یک از اعضای آن را به عضویت پارلمان مشورتی در نیاورده است. سال ۲۰۰۶ روزنامه بحرینی گلف دیلی نیوز مدعی شد این جمعیت تنها ۱۵۰۰ عضو فعال دارد. یکی از مقامات دیپلماتیک سفارت آمریکا نیز الوفاق را بزرگ‌ترین حزب

بحرین اعلام کرده است.^{۴۵} در یکی از اسناد ویکی لیکس از نشست دیپلماتیک در سفارت آمریکا در بحرین آمده است، این جمعیت بزرگ‌ترین جمعیت بحرین از حیث تعداد اعضاست.^{۴۶}

گرایش الوفاق، شیعی است و توسط شیخ علی سلیمان رهبری می‌شود. او در دهه ۱۹۹۰ در قم به مطالعه علوم دینی پرداخت.^{۴۷} این حزب همواره بر اجرای ارزش‌های اسلامی در بحرین تاکید دارد و این مساله را از طریق نمایندگان خود در مجلس پی‌گیری می‌کند. این حزب در اکتبر ۲۰۰۵ در بیانیه‌ای اعلان داشت که نه حکومت و نه نمایندگان پارلمان نمی‌توانند سخن خدا را تفسیر نمایند. همچنین از دیدگاه این حزب، حقوق مردان و زنان باید با احکام فقیه منطبق باشد.^{۴۸} از نظر این حزب، حکومت اسلامی با حکومت و شیوه‌های حکومتی غربی متفاوت است و در نتیجه حقوق زنان در اسلام با حقوق آنان در غرب متفاوت است. این حزب در رقابت با فعالان حقوق زنان و برای نشان دادن قدرت خود در ۹ نوامبر ۲۰۰۵ یک راهپیمایی بسیار بزرگ‌تر از راهپیمایی برگزار شده توسط شورای عالی زنان^(۱) برپا نمود. این شورای رسمی، سکولار و دولتی که بعد از اصلاحات شیخ حمد تشکیل شده بود، در حمایت از حقوق فردی زنان این راهپیمایی را برگزار کرده بود.^{۴۹} این حزب رابطه نزدیکی با شورای مدارس اسلامی^(۲) بحرین دارد.^{۵۰} این شورا الوفاق را با عنوان «بلوکی از مؤمنان»^(۳) خطاب کرده است.^{۵۱} این حزب به‌شدت در جهت رفع تبعیض علیه شیعیان به فعالیت می‌پردازد. در قضیه بندرگیت^(۴) عده‌ای به رهبری احمد بن عطیه آل خلیفه، وزیر کشور، در ۲۰۰۶ تصمیم داشتند با برقراری تنظیماتی خاص و افزایش نظارت بر شیعیان آنها را به حاشیه برانند. با این حال، افشاگری نمایندگان الوفاق مانع از اجرای این طرح شد. نمایندگان این حزب بر برگزاری انتخابات شفاف و سالم اصرار دارند و همواره قبل از برگزاری انتخابات تاکید آنها بر این موضوع دوجندان می‌شود.

رهبران الوفاق و سه جمعیت دیگر - جنبش مائوئیستی اقدام دموکراتیک ملی، حزب سابق بعث و حامیان صدام حسین که در قالب حزب جدید التجمع القومي الیدیمقراطی فعالیت

-
1. Supreme Council for Women
 2. Islamic Scholars Council
 3. Bloc of Believers
 4. Bandargate

می کردند و جمعیه العمل الاسلامی (أمل) - در ۲۰۰۲ و هم‌زمان با اصلاحیه‌ای که در آن پادشاه در قدرت قانون‌گذاری سپهیم می‌شد، انتخابات را تحریم کردند. با این حال، شیخ علی سلمان با این موضوع مخالف بود؛ چراکه خالی شدن عرصه را موقعیتی مناسب برای قدرت یافتن احزاب سنی رقیب می‌دید و البته همین‌طور هم شد.^{۵۲} از نظر آنها پارلمان انتخابی نسبت به پارلمان مشورتی که اعضای آن توسط امیر بحرین انتخاب می‌شوند، از قدرت برخوردار نبود و از این رو تنها ابزاری بود برای مشروع نشان دادن حکومت. در نتیجه، انتخابات پارلمان تحریم شد. با این حال، الوفاق برخلاف دو حزب دیگر در انتخابات شهرداری‌ها در ۲۰۰۲ شرکت نمود. همچنین، این حزب در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۶ شرکت کرد و با پشتیبانی شورای مدارس اسلامی توانست ۱۷ کرسی از ۱۸ کرسی ممکن را به‌دست آورد.^{۵۳} در این انتخابات این حزب توانست ۶۲ درصد آرا را به‌خود اختصاص دهد و از این سال به بعد، به بزرگ‌ترین حزب درون پارلمان مبدل شد و از احزاب چپ و لیبرال پیشی گرفت. این حزب در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰ توانست تمام کرسی‌های قابل اکتساب یعنی ۱۸ کرسی از ۴۰ کرسی مجلس را به نمایندگان خود اختصاص دهد.^{۵۴} اما ۲۷ فوریه ۲۰۱۱، ۱۸ نماینده الوفاق در اعتراض به خشونت رژیم علیه تظاهرات کنندگان عدالت‌خواه بحرین از سمت خود استعفا دادند.^{۵۵} در پی این اقدام پارلمان بحرین مشروعیت خود را از دست داد.^{۵۶} این حزب همچنین انتخاب میان‌دوره‌ای مجلس را، که به‌منظور پر کردن کرسی‌های خالی شده صورت می‌گرفت، تحریم کرد.^{۵۷}

ب. جنبش اقدام اسلامی (جمعیه العمل الاسلامی/أمل)

این حزب که به أمل مشهور است، یکی از فعال‌ترین احزاب اسلامی بحرین به‌شمار می‌رود. این گروه شیعی مبنای حرکت خود را دستورات مرجع تقلید خود؛ یعنی آیت‌الله سید محمدحسینی شیرازی، قرار داده‌اند.^{۵۸} أمل از جمله احزابی بود که در کنار الوفاق، انجمن دموکراتیک ملی و جنبش دموکراتیک ملی، انتخابات پارلمانی ۲۰۰۲ بحرین را تحریم کرد.^{۵۹} با این حال، در انتخابات ۲۰۰۶ شرکت کرد، اما هیچ کرسی به‌دست نیاورد. هرچند برخی معتقدند آنها تحت رهبری الوفاق به انتخابات وارد شدند.

این حزب در کنار انجمن اردوگاه دموکراتیک ملی، انجمن دموکراتیک ملی و مجمع توسعه دموکراسی، فرزند مستقیم سازمان نظامی جبهه اسلامی برای آزادسازی بحرین^{۶۰} است. این سازمان از جمله سازمان‌هایی بود که به اتهام داشتن در کودتای ۱۹۸۱ فعالیت آن غیرقانونی اعلام شده بود و اعضای آن یا در زندان و یا در تبعید به سر می‌بردند.^{۶۱} با این حال، اصلاحات امیر جدید بحرین، شیخ حمد، به آزادی آنها منتهی شد.^{۶۲} از آنجا که نام سازمان قبل غیرقانونی اعلام شده و نوع فعالیت‌های نظامی نتوانسته بود اهداف حزب را مسجل سازد، اعضای این سازمان پس از آزادی در ۲۰۰۱ حزبی با نام جمعیه العمل الاسلامی را تأسیس نمودند.

اعضای این حزب جدید، همانند اعضای سازمان سلف خود، رهبری مذهبی را مبنای حرکات خود قرار دادند. آیت‌الله هادی مدرسی فردی عراقی است که در دهه ۱۹۷۰ و برای نجات از صدام و حزب بعث به بحرین پناه آورد و شهروندی این کشور را کسب نمود. وی بعد از ایجاد جبهه اسلامی آزادسازی بحرین به ایران اخراج شد. در ۱۹۸۱ جبهه اسلامی آزادسازی بحرین به کودتای نظامی اقدام ورزید.^{۶۳} در آن زمان شیخ هادی تلاش نمود به‌عنوان رهبر حکومت بعد از کودتا به بحرین وارد شود، اما کودتا شکست خورد.

بعد از جریان کودتا، سازمان به‌صورت دادن چندین عملیات تروریستی در دهه ۱۹۹۰ نیز متهم شد. در ۱۹۹۶ بمبی در هتل دیپلمات منامه منفجر شد که دولت این سازمان را مسئول دانست. در این بمب‌گذاری ۴ نفر مجروح شدند. فردی به نمایندگی از این سازمان در خبرگزاری آسوشیتدپرس اعلام کرد که این بمب را بیست دقیقه قبل از شروع جشن در هتل منفجر نموده و بدین ترتیب مسئولیت عملیات تروریستی را پذیرفت.^{۶۴}

حزب جدید به اشاعه تفکرات شیعی خود اقدام می‌ورزید و در مخالفت با اقلیت سنی حاکم اجلاس و سخنرانی برگزار می‌نمود. در سپتامبر ۲۰۰۵ این حزب در دفاع از افرادی که به اتهام کودتای ۱۹۸۱ دستگیر شده بودند، مراسمی برگزار نمود. این مراسم با ناخرسندی حاکمان همراه شد و مجوز فعالیت حزب را برای مدت زمانی به حالت تعلیق درآوردند.

1. Islamic Front for the Liberation of Bahrain

هم‌اکنون شیخ محمود علی المحفّا رهبری این جنبش را عهده‌دار است. اهداف او به آرمان‌های آیت‌الله مدرسی قرابت زیادی دارد. صلاح‌الخواجه معاون او در جنبش است. این جنبش با حزب شیعی الوفاق ارتباط زیادی دارد. با این حال، شیخ محمود، علی سلمان، رئیس حزب الوفاق، را متهم ساخت که در تلاش است فعالیت حزب او را به پیروی از آیت‌الله شیرازی محدود سازد. این جنبش همانند الوفاق و برخلاف سایر احزاب سکولار شیعی، انتخابات پارلمانی ۲۰۰۲ را تحریم نمود.^{۶۵} وی در طی انتخابات ۲۰۰۶ از الوفاق تقاضا نمود در چند حوزه انتخاباتی آنها را یاری رساند. با این حال، عبدالله الوهاب، سخنگوی جنبش، اذعان داشت: به‌علت عدم تصمیم‌گیری قطعی این همکاری انجام نشد. البته به‌باور برخی از کارشناسان، به‌منظور حفظ وجهه جنبش، سخنگوی آن این تقاضا را انکار نموده است.^{۶۶} بحث و جدل در باب انتخابات ۲۰۰۶ سبب شد که صلاح‌الخواجه از معاونت حزب استعفا دهد و به‌صورت کلی، از فعالیت در دنیای سیاست کنار کشد.

با وقوع انقلاب ۱۴ فوریه، این جنبش به حمایت از آن پرداخت و بسیاری از رهبران امل طی ماه‌های فوریه و مارس ۲۰۱۱ به جمع مخالفان در میدان لؤلؤ پیوستند. آنها نیز همانند انقلابیون اعلام نمودند تا زمانی که شیخ حمد در مسند قدرت است، هیچ مذاکراتی را با حکومت صورت نمی‌دهند. در نتیجه این موضع‌گیری‌ها، دولت بسیاری از رهبران امل را دستگیر و دفاتر آنها را تعطیل نمود.

چرایی موفقیت احزاب شیعی

تا قبل از صورت پذیرفتن اصلاحات ۲۰۰۱، احزاب چپ فعال‌ترین احزاب مجمع‌الجزایر بحرین بودند. با این حال، فروپاشی شوروی، عدم موفقیت آنها در اصلاح و یا تغییر نظام پادشاهی، فعالیت‌های تندروانه و دستگیری اعضای آنها، رابطه نه‌چندان مناسب میان آنها و باورهای دینی مردم کشور و ظهور احزاب اسلامی از جمله عوامل به‌حاشیه رانده شدن آنهاست. احزاب آزادی‌خواه و ملی‌گرا نیز دو جناح فعال دیگر در این کشور بودند. با این حال، قرار گرفتن اعضای آنها از طرف امیر بحرین در مجلس مشورتی و سهمین شدن در امور حکومتی، آنها را محافظه‌کار نمود و این امر

به دوری آنها از تقاضاهای دموکراتیک مردم منتهی شد. همچنین، این احزاب نتوانستند خواست‌های دینی جامعه بحرین را پوشش دهند و در مواقعی خواست‌های آنها؛ همچون حمایت از تصویب کنوانسیون حقوق زنان در پارلمان، حمایت از آزادی‌های فردی و حقوق زنان، عکس‌العمل جدی گروه‌های اسلامی و مردم مسلمان بحرین را در بر داشت. به‌علاوه، برخی از اعضای این احزاب در دوره‌هایی نیز مورد خشم امیر قرار گرفتند و دستگیر یا تبعید شدند.

اصلاحات ۲۰۰۱ فضای نسبتاً آزادتری را برای فعالیت احزاب فراهم نمود. زندانیان سیاسی آزاد شدند و احزاب جدید شکل گرفتند. با این حال، برگزاری انتخابات پارلمانی ۲۰۰۲ نشان داد که مردم بحرین نوع دیگری از احزاب را جستجو می‌کنند. احزاب سنی، ۸ و سلفی ۷ کرسی را به‌دست آوردند و بدین‌ترتیب جناح اسلامی اکثریت را از آن خود کرد، اما احزاب شیعی در کنار برخی دیگر از احزاب این انتخابات را تحریم نمودند؛ چرا که از نظر آنها اصلاحات به‌درستی انجام نشده و مجلس مشورتی عملاً از قدرتی بیشتر از مجلس انتخابی برخوردار شده بود. از طرف دیگر، امیر جدید بحرین، بسیاری از اعضای احزاب سنی و سلفی را در مجلس مشورتی جای نهاد و این احزاب به حامیان دولت معروف بودند.^{۶۷} ترس دولت از تقویت احزاب شیعی به نزدیکی بیشتر طبقه سلطنتی با احزاب سنی و سلفی منتهی شد. البته در این بین، احزاب سلفی گهگاه برخی از قوانین و دستورات حکومتی را مخالف شرع می‌دیدند و بدین‌ترتیب با نقد آنها دولت را به‌چالش می‌کشیدند. به علاوه، ساختار پادشاهی این کشور سنی بوده و سلفی‌ها نیز از جانب وهابیت عربستان مورد حمایت هستند. این عوامل به نزدیکی میان احزاب سنی و سلفی با حکومت،^{۶۸} محافظه‌کاری بیش از پیش آنها و دوری آنها از جامعه بحرین منتهی شد. همچنین، الاصله و المنبر در طی انتخابات ۲۰۱۰ هرگز نتوانستند اختلافات را کنار بگذارند و به اتحادی همانند احزاب شیعی دست یابند.^{۶۹} مردم بحرین جناح‌های مختلف را آزموده بودند و نارسایی آنها مشخص شده بود. احزاب شیعی آخرین انتخاب بودند و به‌تدریج به پرتفردارترین احزاب مبدل شدند، اما اغلب به صورت مخفی و غیررسمی به فعالیت می‌پرداختند. آنها همچنین از حضور در پارلمان سر باز زدند، که البته، تاکتیک تحریم انتخابات نیز در افزایش محبوبیت آنها بی‌اثر نبود.

با این حال، احزاب شیعی به رهبری حزب الوفاق تصمیم به ورود در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۶

گرفتند و در همان سال اول ورود، موفق به کسب ۱۷ کرسی شدند. با این حال، هیچ‌یک از نمایندگان آنها از جانب حکومت به مجلس مشورتی راه نیافت. این امر به افزایش محبوبیت آنها در میان جامعه نه‌تنها شیعی، بلکه سنی‌مذهب بحرین منتهی شد. آنها در طول زمان محافظه‌کار نشدند و در مقابل حکومت از ابراز خواسته‌های مردم ابا نداشتند. به علاوه، با مقابله با تصویب قوانین مغایر دین، همچون الحاق به کنوانسیون حقوق زنان، راه خود را از احزاب سکولار جدا کردند و به نمایندند واقعی جامعه اسلامی بحرین مبدل شدند. وحدت میان احزاب شیعی و قرار گرفتن آنها تحت رهبری حزب الوفاق عامل دیگر موفقیت آنها بود. در نتیجه، روند روزافزون قدرت یافتن آنها ادامه داشت و در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰ تمام کرسی‌های مجاز یک حزب را به‌خود اختصاص دادند. در این سال، حزب الوفاق به نمایندگی از سایر احزاب شیعی اکثریت پارلمان را از آن خود کرد. با این حال، شیخ حمد از ۲۰۱۰ روند دیکتاتوری را از سر گرفت. او که در ۲۰۰۱ با آزاد کردن فعالیت احزاب خود را دموکرات نشان داده بود، در ۲۰۱۰ با آزادی عمل آنها به مخالفت برخاست. همراهی احزاب شیعی با مردم بحرین در جریان خیزش‌های مردمی ۲۰۱۱، عدم تحقق خواسته‌های دموکراتیک و دینی آنها و تنش در روابط آنها با حکومت، باعث شد که آنها با ترک پارلمان نه‌تنها پارلمان را منحل نمایند، بلکه عدم مشروعیت نظام سلطنتی بحرین را اعلام کنند. این تاکتیک نه‌تنها با افزایش حمایت مردمی، بلکه با حمایت سایر احزاب سنی و حتی سکولارهای دموکراسی‌خواه از آنها همراه شد. هم‌اکنون حزب الوفاق منسجم‌ترین حزبی است که در جریان خیزش‌های مردمی شروع شده از ۲۰۱۱، رهبری مخالفان را بر عهده دارد. برخی از تاکتیک‌های الوفاق که به افزایش محبوبیت آن منجر شد عبارتند از:

- ظهور تدریجی: در دورانی که فضای سیاسی به شدت بسته بود و فعالیت احزاب با سرکوب دولت مواجه می‌شد، الوفاق هرگز فعالیت علنی و رسمی نداشت. اما از سال ۲۰۰۲ و با آزاد شدن فعالیت احزاب فعالیت خود را علنی نمود. با این حال، عدم رعایت قانون اساسی و ایجاد مجلس مشورتی باعث شد که آنها برای ابراز مخالفت و نشان دادن عدم جدیت حکومت، این انتخابات را تحریم کنند و در آن حضور نیابند. با این حال، ادامه این روند و افزایش فعالیت رقبای آنها باعث شد که آنها بیش از پیش عرصه را برای پیشی گرفتن سایر احزاب باز نکنند و با حضور خود

در انتخابات ۲۰۰۶، به دست گرفتن تدریجی کرسی‌های پارلمان را آغاز کنند. رفتار تدریجی، ذهنیت جامعه بحرین را برای پذیرش آنها و ایده‌هایشان مهیا نموده بود.

– مخافت با اختلاف‌افکنی میان شیعه و سنی: تا قبل از شروع تحولات بحرین، از آنجا که فشار سیاسی زیادی بر شیعیان از طرف احزاب سنی و طبقه حاکمه وارد می‌آمد، الوفاق از مظلومیت اکثریت شیعیان دفاع به عمل آورد. با این حال، هیچ‌گاه این دفاع را به معنای روشی برای آغاز پان‌شیعیسم مورد استفاده قرار ندادند و موضع آنها در مقابل سایر اقلیت‌ها در حد دفاعی باقی ماند. همچنین، بعد از تحولات اخیر بحرین، الوفاق تفرقه‌اندازی بین شیعه و سنی را یکی از توطئه‌های حکومت برای تضعیف انقلاب بحرین دانسته است. این حزب با انتشار بیانیه «تجمع وحدت ملی» و با شعار «لاسنیه لاشیعه وحده وحنه وطنیه» انقلاب را محدود به گروه شیعیان نکرده و همه اقشار جامعه بحرین را در آن سهیم دانسته است.^{۷۰} این حزب با حمایت از حقوق همه شهروندان در مقابل حکومت توانسته است به میزان زیادی محبوبیت خود را در میان غیرشیعیان نیز افزایش دهد.

– عدم گرایش به مبارزه خشونت‌آمیز: سرکوب شیعیان و مقابله خشونت‌آمیز با آنها چه قبل و چه بعد از شروع تحولات اخیر بحرین وجود داشته است. برخی از گروه‌های شیعی، همچون امل، در مقابله با این خشونت‌ها راهکار مقابله متوازن را در پیش گرفتند و در نتیجه آنها نیز دست به سلاح بردند. با این حال، الوفاق به‌عنوان بزرگ‌ترین حزب و نماینده اصلی جامعه شیعیان اقدام مسلحانه و خشونت‌آمیز را مبنای حرکت انقلابی خود قرار نداده و همواره برای حفظ وحدت ملی و جلوگیری از خون‌ریزی بر روش‌های مسالمت‌آمیز اعتراض تاکید کرده است. رهبری الوفاق تاکید داشت که اعتراضات مردمی بحرین به شکل مسالمت‌آمیز ادامه پیدا کند و تنها وقتی از این روند خارج شد که رژیم برای سرکوب قیام‌ها از سلاح استفاده و سرکوب شدید را آغاز نمود.

– حفظ وحدت میان گروه‌های شیعی: همان‌طور که دیدیم در جریان انتخابات ۲۰۱۰، احزاب سنی الاصله و المنبر نتوانستند با ایجاد ائتلاف با یکدیگر، اختلافات را کنار زنند. با این حال، حزب شیعی امل با ائتلاف‌سازی با الوفاق تحت رهبری آن در انتخابات شرکت کرد و بدین ترتیب شیعیان اکثریت کرسی‌ها را تصاحب نمودند.

این تاکتیک‌ها نشان می‌دهد که اصول مورد تبعیت الوفاق شباهت زیادی با اصولی دارد که در تعریف بیداری اسلامی مورد نظر انقلاب اسلامی ایران عنوان نهادیم. به عبارت دیگر، الوفاق همواره از اصولی همچون مبارزه با استبداد داخلی و عدم وابستگی به قدرت‌های بین‌المللی، جلوگیری از تفرقه در میان مسلمانان دفاع به عمل آورده و در آنها تساهل و مصالحه نکرده است. به رغم آنکه احزاب سنی و سلفی با عضویت در شورای مشورتی و در نتیجه ائتلاف‌سازی با دولت توانستند جایگاه خود را نزد حاکمان تقویت نمایند، الوفاق هرگز در این موضوع کوتاه نیامد و محافظه‌کاری در اصول را رد نمود. این امر به افزایش دشمنی دولت با آن و البته افزایش محبوبیت در میان مردم منتهی شد. مخالفت الوفاق با تصویب لایحه الحاق به کنوانسیون حقوق زنان نیز دیگر موردی است که عدم تساهل در اصول را نشان می‌دهد. از این رو الگوی اسلامی مورد نظر الوفاق چیزی به غیر از الگوی ترکیه است. به علاوه، این گروه برخلاف سلفی‌ها، مبارزه جهادی را اولویت خود قرار نداده و سعی دارد تا حد ممکن اعتراضات را به صورت غیرخشونت‌آمیز به پیش برد. به علاوه، برخلاف سلفی‌ها، با دادن شعار «نه شیعه، نه سنی» سعی داشته وحدت میان گروه‌های مسلمان را حفظ نماید؛ این یعنی مصلحت‌اندیشی در فروع. بنابراین، علت اصلی محبوبیت و موفقیت الوفاق در میان مردم بحرین را باید در پیروی آنها از اصول بیداری اسلامی بر خاسته از الگوی انقلاب اسلامی ایران خلاصه نمود.

نتیجه‌گیری

از کل جمعیت ۶۳۳۰۰۰ نفری بحرین، مسلمانان شیعه، ۶۱/۳ درصد و اهل سنت ۲۰/۵ درصد را تشکیل می‌دهند و بقیه پیرو ادیان دیگر می‌باشند. مطابق آمارهای دیگر، شیعیان بحرین ۷۰ درصد می‌باشند که این عده جمعیت بومی بحرین را تشکیل می‌دهند.^{۷۱} ساختار نظام سیاسی بحرین پادشاهی مشروطه است و مطابق قانون اساسی قوای سه‌گانه مستقل بوده و به اعمال نفوذ در وظایف و اختیارات یکدیگر مجاز نیستند، اما در عمل تمامی سه قوه زیر نظر مستقیم امیر بحرین اداره می‌شوند. وی همراه با ولی‌عهد و نخست وزیر بر کشور حکومت می‌کند. در روند استقلال بحرین گروه‌های سیاسی مختلف نقش اساسی ایفا نمودند. با این حال، امیر این کشور، شیخ عیسی، آل خلیفه نتوانست به خواسته‌های آنها جامه عمل بپوشاند و قانون

اساسی و پارلمان آن در کمتر از دو سال منتفی شد. بعد از آن نیز احزاب هرگز نتوانستند به صورت مطلوب و مورد نظر خود فعالیت آزادانه داشته باشند. این وضعیت تا سال ۲۰۰۱ به طول انجامید. اصلاحات صورت گرفته در این سال امیدواری عمومی را به دنبال آورد. امیر جدید بحرین زندانیان سیاسی را آزاد نمود، منشور اقدام ملی (قانون اساسی دوم) را تصویب و پارلمان دوم را پس از ۲۷ سال راهاندازی کرد. با این حال و برخلاف قانون اساسی، مجلس مشورتی از قدرتی برابر و چه بسا بیشتر از مجلس منتخبان مردم برخوردار شد. این موضوع با ناراحتی احزاب همراه شد تا آنجا که بسیاری از آنها انتخابات پارلمانی ۲۰۰۶ و انتخابات شهرداری‌ها را تحریم نمودند. نقطه تبلور این نارضایتی‌ها در جریان انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ صورت پذیرفت.

در این مقاله سعی شده است نخست شمای کلی مهم‌ترین احزاب جناح‌های چپ، ملی‌گرا، سلفی، سنی و شیعی به ترسیم کشیده شود و دوم، چرایی قوت یافتن احزاب شیعه مورد بررسی قرار گیرد. البته باید توجه داشت تنها می‌توان نام حزب را بر چهار گروه الاصله، المنبر، الوفاق، أمل اطلاق نمود. سایر گروه‌ها از ویژگی‌های اساسی احزاب برخوردار نیستند. به علاوه، گروه‌ها با اسامی مختلفی همچون ائتلاف، جبهه، جنبش و حرکت نام‌گذاری شده‌اند. برخی از این گروه‌ها در نتیجه انحلال گروه‌های قبل به وجود آمده‌اند. در این گروه‌ها همچنان تفکر و ایدئولوژی گروه مادر از جایگاهی ویژه برخوردار است: جنبش أمل از دل جبهه آزادسازی بحرین، جماعه تجمع القومی از دل حزب بعث، جمعیه المنبر الدیموقراطی جانشین جبهه آزادی‌بخش ملی، جنبش حق جانشین حزب دموکرات ملی. در میان احزاب، حزب الوفاق، أمل، جبهه اسلامی آزادسازی بحرین، حزب الله، حرکت هسته‌های انقلابی، حرکت اسلامی انصار الشهداء، حزب الدعوه از ایدئولوژی شیعی، حزب الاصله از ایدئولوژی سلفی، جمعیه المنبر الوطنی از ایدئولوژی سنی، و جنبش اسلامی آزادگان بحرین از ایدئولوژی اسلامی حمایت به عمل می‌آورند.

همچنین گروه عدالت ملی، جنبش حق ملی‌گرای سکولار و جبهه مردمی آزادسازی بحرین، ملی‌گرایی چپ مارکسیستی و جبهه آزادی‌بخش ملی بحرین مارکسیست - لنینیست هستند و حزب وعد نیز بزرگ‌ترین حزب چپ است. الميثاق، بلوک اقتصادی نیز به روشنی لیبرال بودن خود را اعلام نموده‌اند.

جبهه آزادی بخش ملی بحرین، جبهه مردمی آزادسازی بحرین، جبهه اسلامی آزادسازی بحرین، حزب الله بحرین، حرکت هسته های انقلابی، حرکت اسلامی انصار الشهداء از روش های نظامی نیز در راه مبارزه با حکومت بهره می برند. از میان گروه های سیاسی فرماندهی دو گروه مستقیماً از خارج صورت می پذیرد: حرکت دفاع از حقوق بشر در دانمارک، حرکه أحرار البحرين الإسلامية در لندن.

همان طور که دیدیم تا قبل از ۲۰۰۲، احزاب چپ و تا حدودی لیبرال بیشترین حضور در عرصه های انتخاباتی و سیاسی بحرین را به خود اختصاص داده بودند. احزاب سلفی و سنی نیز به تدریج جایگاه مناسبی پیدا کرده بودند. اسلام گرایان سنی در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۲ و انتخابات محلی اکثریت را به دست آورده بودند. از طرف دیگر، احزاب سکولار و سلفی توانسته بودند نظر مثبت امیر بحرین برای حضور در مجلس مشورتی را نیز به دست آورند. تهدید ناشی از شیعیان در نزدیک شدن حکومت به این احزاب مؤثر بود. این موضوع با پیوستگی منافع آنها با حکومت همراه گشته بود و لذا آنها در برخورد با حکومت محافظه کارانه تر عمل می کردند و همین امر به افزایش شکاف میان آنها با اکثریت مسلمان و شیعی بحرین منجر شده بود. حال آنکه، بحرین و استان های شرقی عربستان به لحاظ تاریخی با اکثریت شیعی همراه بوده است. از نظر این احزاب حکومت آل خلیفه بر اساس قانون اساسی و مبتنی بر دین است و لذا نباید تغییر یابد و سایر موضوعات اقتصادی و بین المللی نیز می توانند به صورت سکولار مدیریت شوند. البته در این بین احزاب سلفی استثنا بودند. آنها خواهان اجرای دیدگاه های خود در عرصه های اجتماعی بودند. علی المؤدّا، یکی از ۷ سلفی حاضر در پارلمان ۲۰۰۲، به شدت بر این موضوع اصرار داشت. با این حال، هر دو جناح سنی، به رهبری المنبر، و سلفی، به رهبری الاصله، حامی دولت هستند و تنها جناح اسلام گرای مخالف دولت یک حزب شیعی به نام الوفاق است.

این احزاب گرچه توانسته بودند در جهت حمایت از خواسته های دموکراتیک گام بردارند، اما در زمینه حمایت از خواسته های اسلامی موفقیت چندانی به دست نیاورده بودند و این موضوع مهم ترین دلیل است که آنها را از منظر مردم به حاشیه کشانده است. این موضوع از سال ۲۰۰۶ آغاز شد و در انتخابات ۲۰۱۰ به اوج خود رسید. در این انتخابات حزب اسلامی شیعی الوفاق با

تصاحب ۱۸ کرسی، اکثریت پارلمان را از آن خود کرد. همراهی این حزب با خواسته‌های اسلامی مردم به انصراف این حزب از پارلمان در سال ۲۰۱۱ منتهی شد. با خروج الوفاق مجلس از اکثریت خارج و منحل گردید. الوفاق به عنوان پرتطرف‌دارترین حزب توانسته است در جریان خیزش‌های مردمی شروع شده از سال ۲۰۱۱ به عنوان مهم‌ترین و منسجم‌ترین حزب ایفای نقش کند. حمایت اکثریت مسلمان و شیعی مردم بحرین، استفاده مناسب از تاکتیک‌های حزبی، عدم حضور در مجلس مشورتی و عدم همراهی با حکومت، اصرار بر خواسته‌های دموکراتیک غیرمغایر با شریعت، وحدت میان احزاب شیعی، محافظه کار شدن احزاب سلفی و دخیل شدن آنها در حکومت، از جمله عواملی هستند که به نزدیکی مردم با الوفاق و موفقیت روزافزون آن در رهبری مخالفان حکومت منتهی شده است. این تاکتیک‌ها با اصول بیداری اسلامی مورد نظر جمهوری اسلامی ایران هم‌سویی زیادی دارد. پایبندی به اصول و مصلحت‌اندیشی در فروع و تاکتیک‌ها مهم‌ترین ویژگی بیداری اسلامی شأت گرفته از انقلاب است که آن را از تساهل‌گرایی مفرط اسلام ترکی و تحجرگرایی سلفی دور می‌سازد. این رفتار همان چیزی است که در الوفاق شاهد بودیم و از این رو می‌توان گفت علت اصلی موفقیت الوفاق پیروی از الگویی از بیداری اسلامی است که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران ظهور نمود.

پاورقی‌ها:

1. *Discovering World Cultures: The Middle East Bahrain, Cyprus, Egypt*, Volume 1, USA: Greenwood Publishing Group, 2004, p.4.
2. Dalia Dassa Kaye and (et.al.), *More Freedom, Less Terror? Liberalization and Political Violence in the Arab World*, USA: RAND Corporation, 2008, p. 83.
۳. محمدرضا اقارب پرست و هادی مهربان‌فر، «جنبش‌های اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا: تلاقی استبدادستیزی و اسلام‌خواهی»، *رهاورد سیاسی*، شماره ۳۲، تابستان ۱۳۹۰، ص.ص. ۱۵۹-۱۷۹.
۴. جواد معین‌الدینی و حبیب‌الله ابوالحسن شیرازی، «تقابل خاورمیانه اسلامی با خاورمیانه بزرگ»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۴۱، بهار ۱۳۸۷، ص.ص. ۱۴۵.
۵. رضا مهرعطا، «از خاورمیانه بزرگ تا خاورمیانه اسلامی»، *پیام/انقلاب*، شماره ۴۴، اسفند ۱۳۸۹، ص. ۱۳.
۶. محمدرضا اقارب پرست، پیشین، ص.ص. ۱۵۹-۱۷۹.
۷. جواد معین‌الدینی، پیشین، ص. ۱۴۴.
8. John L. Esposito, *Islam and Politics*, 4th Edition, Syracuse: Syracuse University Press, 1984, p. 171.
۹. محمداسماعیل عمار، «بیداری اسلامی؛ تقابل اسلام سیاسی و سکولاریسم»، *ماهنامه معرفت*، شماره ۱۶۸، آذر ۱۳۹۰، ص.ص. ۱۵۳-۱۶۹.
10. Amir Sajedi, "Greater Middle East: Opportunity or Challenge?", *India Quarterly*, A Journal of International Affairs, vol. 62, No. 4, October 2006, pp. 205-206.
۱۱. سید احمد موثقی گیلانی و هومن نیری، «اسلام میانه‌رو و دموکراسی در ترکیه»، *تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۵، زمستان ۱۳۸۹، ص.ص. ۳۷-۳۸.
12. Soner Çaaptay, *Islam, Secularism and Nationalism in Modern Turkey: Who is a Turk?*, USA and Canada: Rutledge, 2006, pp. 122-124 .
۱۳. محسن جهانگیری و حسین ناصری مقدم، «دو جریان اخباریه و سلفیه در مواجهه با عقلانیت تشریعی»، *نشریه فقه و حقوق*، شماره ۸۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، ص. ۴۳.
۱۴. «انقلاب‌های عربی و امواج سلفی»، *هفته‌نامه پنجره*، شماره ۱۳۵، شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۱، ص. ۵.
۱۵. «تاثیر انقلاب اسلامی و افکار امام خمینی(ره) بر جهان»، *آفاق مهر*، شماره ۴۴، اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۰، ص.ص. ۳۰-۳۱.
۱۶. مرتضی شیروودی، «انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی (تاثیرگذاری و نمونه‌ها)»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۱۶، بهار ۱۳۸۸، ص. ۸۴.

۱۷. جلال درخشه و مصطفی غفاری، «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام: فرصت‌ها، اقدامات، اولویت‌ها و دستاوردها»، فصلنامه مطالعات فرهنگ / ارتباطات، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۹۰، ص ۱۹.
۱۸. ابوالقاسم علیدوست، «دین، شریعت و مصلحت»، قبسات، شماره ۶۱ پاییز ۱۳۹۰، ص ۵.
۱۹. حسین هرسج، «تجزیه و تحلیل ویژگی‌ها، مبانی و مولفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، پیش‌شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰، ص ۱۴۱.
۲۰. نفیسه فاضلی‌نیا، «ایدئولوژی تشیع، انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی»، فصلنامه ۱۵ خرداد، سال ششم، شماره ۱۹، بهار ۱۳۸۸، ص ۳۸.
۲۱. حسین هرسج، پیشین، ص ۱۴۵.
۲۲. نفیسه فاضلی‌نیا، پیشین، ص ۵۸.
۲۳. مرتضی بحرانی، جنبش‌های سیاسی - اجتماعی بحرین، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۱، ص ۶۶.
۲۴. جمعیه العمل الوطنی الدیموقراطی، من نحن، کلمتنا: http://www.aldemokrati.org/ar-BH/who_we_are.aspx
25. Ahmad Al - Ubaydli, Under the Searing Bahrain Sun, Liberals with Few Illusions, September 07, 2004 12:00 AM, at: <http://www.dailystar.com.lb/>
26. [Persian] Gulf Daily News, Independents the Biggest Winners, 1 November 2010, at: <http://www.gulf-daily-news.com>
۲۷. صحیفه الوسط البحرینیہ جمعیه الميثاق تؤكد عدم دستوريه (۱۴۳۲هـ)، مطالب تداول السلطه - العدد ۳۰۸۶ - الخميس ۱۷ فبراير ۲۰۱۱م الموافق ۱۴ ربيع الاول: <http://www.alwasatnews.com/3086/news/read/527723/1.html>
28. Ángel Rabasa(et.al.), *Building Moderate Muslim Networks*, USA: RAND, 2007, p. 115.
29. Habib Toumi, "Political Movement Launched in Bahrain," March 7, 2006, at: <http://gulfnews.com/news/gulf/bahrain/political-movement-launched-in-bahrain-1.227749>
30. Ibid.
31. Ibid.
32. Ibid.
33. Magdalena Karolak, "Religion in the Political Context: the Case of the Kingdom of the Bahrain," *Asia Journal of Global Studies*, Vol. 4, No. 1, 2010, p. 11.
34. Ibid., p. 12.

35. Ibid.
36. Ibid.
37. Ibid.
38. Spencer C. Tucker, *The Encyclopedia of Middle East Wars: The United States in the Persian Gulf, Afghanistan and Iraq Conflicts*, California: ABC-CLIO, LLC, 2010, p. 189.
39. <http://www.gulf-daily-news.com/NewsDetails.aspx?storyid=136119>
40. American Foreign Policy Council, *The World Almanac of Islamism: 2011*, United Kingdom: Rowman and Littlefield Publisher.
41. Barry Rubin, *Guide to Islamic Movements*, New York: American National Standard for Information Sciences, 2010, p. 313.
42. Magdalena Karolak, "Religion in the Political Context: the Case of the Kingdom of the Bahrain," *Asia Journal of Global Studies*, Vol. 4, No. 1, 2010, p. 12 .
43. <http://www.guardian.co.uk/world/us-embassy-cables-documents/168471>
44. Barry Rubin, op.cit.
45. <http://www.guardian.co.uk/world/us-embassy-cables-documents/168471>
46. Ibid.
47. Barry Rubin, op.cit.
48. [Persian] *Gulf Daily News*, Local News, Personal law Row Spurs Plea, 26 October 2005: <http://www.gulf-daily-news.com/NewsDetails.aspx?storyid=125278>
49. W.G. Dunlop, Thousands Protest in Bahrain as MPs Resign, Feb 27, 2011: <http://www.google.com/hostednews/afp/article/ALeqM5iwY3NTSpMB13VTO1FY08tsPi82Rw?docId=CNG.9ffa0c7df5ec323223afd5b1c6a29c99.db1>
50. Magdalena Karolak, op.cit.
51. Habib Toumi, op.cit.
52. Barry Rubin, op.cit.
53. Magdalena Karolak, op.cit.
54. [Persian] *Gulf Daily News*, Independents the Biggest Winners, 2010: <http://www.gulf-daily-news.com/NewsDetails.aspx?storyid=290557>

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8912081250>

۵۶ همان.

۵۷ همان.

58. Ende, Werner; Steinbach, Udo, *Islam in the World Today: A Handbook of Politics, Religion, Culture, and Society*, USA: Cornell University Press, 2005, p. 537.

59. Anthony H. Cordesman & Khalid R. Al-Rodhan, *[Persian] Gulf Military Forces in an Era of Asymmetric Wars*, Vol. 1, USA: Greenwood Publishing Group, 2007, p. 83 .

60. Lobna Ali Al-Khalifa, *Foreign Direct Investment in Bahrain*, Florida: Dissertation Publisher, 2010, p. 96.

61. Ibid .

62. Habib Toumi, op.cit.

63. <http://countrystudies.us/persian-gulf-states/99.htm>

64. Adnan Malik, 12 Feb.1996: <http://www.deseretnews.com/article/471137/HOTEL-LOBBY-EXPLOSION-INJURES-4-IN-BAHRAIN.html>

65. Magdalena Karolak, op.cit, p. 11.

66. Habib Toumi, op.cit.

67. *American Foreign Policy Council*, Ibid.

68. Ibid.

69. Ibid.

۷۰. عضو جمعیت الوفاق بحرین: آل خلیفه از اتحاد شیعه و سنی هراس دارد/ بیانیته تجمع اهل سنت، آل خلیفه را دستپاچه

کرد، سه شنبه ۲۰ تیر ۱۳۹۱ ساعت ۰۸:۵۹، کد مطلب: ۱۰۱۳۹۳: <http://taghribnews.com/vdceoz8zxjh87xi.b9bj.html>

۷۱. گراهام ای. فولر و رند رحیم فرانکلر، شیعیان عرب، مسلمانان فراموش شده، ترجمه خدیجه تبریزی، تهران: مؤسسه

فرهنگی شیعه‌شناسی، ۱۳۸۴، ص. ۱۲۰.